

نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۹۷، صفحات ۸۱ - ۹۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۲۲

## تحولات معاصر و تاثیر آن در کیفیت میراث زوجه در حقوق ایران

سیدمحمد صدری<sup>۱</sup>

محمدرضا نبی زاده اربابی<sup>۲</sup>

محمدیار ارشدی<sup>۳</sup>

حیدر امیرپور<sup>۴</sup>

### چکیده

ارث یکی از اسباب تملک از نظر شریعت اسلامی و بالتبع قانون مدنی ایران شمرده شده است. میراث زوجه از ترکه زوج در فقه امامیه، واجد ویژگی خاصی است. این ویژگی محصول تبعیت پیروان مذهب امامیه از روایات منتسب به امامان معصوم (ع) خود می باشد. بر این اساس، زوجه به میزان حصه خود از تمامی اموال و ترکه زوج، سهم نبرده و متمتع نمی گردد. اهم تعلیل محرومیت زوجه از ارث عقار و اموال غیر منقول این چنین بیان شده که ممکن است زوجه پس از تحصیل سهم الارث خود از اراضی، ازدواج مجدد نموده و موجب ورود و مداخله بیگانه‌ای (زوج جدید) در بین وراثت شود و سبب تضرر وراثت مزبور گردد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که پاره‌ای از احکام مستند به روایات امامان معصوم برخاسته از موقعیت‌های خاص زمانی و مکانی بوده است که اینک مقتضیات زمانی موجبات جدیدی باعث شده که براساس آن زوجه خواهد توانست از تمامی ماترک زوج ارث ببرد.

**کلیدواژه‌ها:** میراث زوجه، تحولات اجتماعی، زمان و مکان.

smsadri42@gmail.com  
arbab731@gmail.com  
yaraninstitute@gmail.com  
d.amirpour@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)  
۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه پیام نور  
۳. استادیار دانشگاه پیام نور  
۴. استادیار دانشگاه پیام نور

## مقدمه

براساس نگرش غالب فقهای مذهب امامیه، زوجه به میزان حصه خود (ربع یا ثمن) از جمیع ماترک زوج سهم نمی برد (سبزواری، ۱۴۲۳، ۲، ۸۳۵، شهیدثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۳، ۱۸۵). درحالیکه سایر مذاهب اسلامی براین اعتقادند که زوجه همچون زوج از تمامی ماترک به میزان حصه خود سهم می برد. برخی از پیروان مذهب امامیه به قدری در اندیشه خود راسخ هستند که آن را متفق علیه دانسته و مدعی اجماع بر آن هستند. (سبزواری، ۱۴۲۳، ۸۳۵؛ شهید ثانی ۱۴۱۳، ۱۳، ۱۸۵، نجفی، ۱۴۰۴، ۳۹، ۲۰۷).

اختلاف حاصله براین مبنا است که برخی مذاهب (عامه) دراستنباط حکم شرعی میراث زوجه به آیات کریمه استناد داشته و لذا به دلیل یکسان نگری آیات کریمه در کیفیت توزیع سهام زوج و زوجه، زوجه را مستحق سهم، از تمامی ماترک زوج دانسته درحالیکه در مذهب امامیه علاوه بر آیات کریمه به روایات معتبر نیز توجه شده و براین اساس قول مشهور فقهاء، زوجه را مستحق سهم، از پاره ای از ماترک و محروم از پاره ای دیگر می پندارند.

امروزه برخی از فقهای معاصر امامیه، از قول مشهور تبری جسته و میراث زوجه را براساس دیدگاه سیدمرتضی مطرح ساخته و براین امر قایلند که زوجه با دارا بودن شرایطی از جمیع ماترک زوج سهم خواهد داشت. (هاشمی شاهرودی ۱۳۸۶، ۳۹، ۴۹)

ضرورت طرح مجدد دیدگاه سید مرتضی در عصر حاضر، بگونه ای اثرگذار بوده که علیرغم مواجهه با مخالفت‌های جدی پاره ای دیگر از فقهاء، قانون گزار ایرانی را متمایل به ایجاد تغییراتی در کیفیت میراث زوجه نموده است تا آنجا که ماده ۹۴۶ قانون مدنی ایران در فرض ذات الولد بودن زوج (دارای فرزند)، زوجه را مستحق یک هشتم از عین اموال منقول و قیمت اموال غیر منقول و در صورت غیر ذات الولد بودن زوج، یک چهارم از جمیع اموال نموده است.

اگرچه دیدگاه جدید، منتسب به سیدمرتضی از فقهای قرن پنجم هجری می باشد لکن طرح آن در عصر حاضر، برخاسته از نظریه تاثیر مقتضیات زمان و مکان در استنباط احکام بوده است. بی شک تاثیر مقتضیات زمان و مکان در استنباط احکام شرعی از چنان ظرفیتی

برخوردار است که قادر به تطور در احکام و صدور احکام جدید منطبق با مقتضیات جدید می باشد. از جمله این ظرفیتهای، تطور در حکم میراث زوجه است که قرون متمادی یر خواسته از قول مشهور بوده است.

نظریه تأثیر مقتضیات زمان و مکان که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس حکومت اسلامی و تصدی رهبری جامعه اسلامی به وسیله امام خمینی به عنوان یکی از فقهای متفکر امامیه مطرح و به منصف ظهور رسید، یگانه منشا این تطور می باشد.

### ۱. مبانی فقهی میراث زوجه

درفقه امامیه، منابع تشریح اعم از ادله نقلی و عقلی بوده که ادله نقلی مشتمل بر آیات کریمه و روایات وارده از ائمه معصوم (ع) است. آیات کریمه به عنوان اولی ترین منبع تشریح، در بردارنده احکامی است که کمیت میراث را بیان می کند لکن عنصر مکمل تبیین میراث زوجه، روایاتی است که به بیان کیفیت میراث زوجه می پردازد و این از اختصاصات و منفردات فقه امامیه نامیده شده است.

#### ۱-۱. قرآن کریم

مبنای تشریح میراث زوجه، آیه ۱۲ از سوره نساء است. نکات قابل برداشت از آیه ۱۲ سوره نساء عبارتند از:

- ۱) نصیب زوج از ترکه زوجه متوفی، در صورت دارا بودن فرزند، ربع آن (یک چهارم) و در صورت دارا بودن فرزند، نصف ترکه (یک دوم) است.
- ۲) نصیب زوجه از ترکه زوج متوفی، در صورت دارا بودن فرزند، ثمن آن (یک هشتم) و در صورت دارا بودن فرزند، ربع ترکه (یک چهارم) است.
- ۳) نصیب زوج و زوجه به تمام اموال یکدیگر تعلق می گیرد.
- ۴) میراث زوج و زوجه، پس از عمل به وصیت و اداء دین میت خواهد بود.

آنچه که در این آیه به تصریح بیان شده، کمیت میراث زوجه و سهم بری هریک از زوجین از تمام اموال یکدیگر است.

## ۱-۲. روایات معتبر از ائمه معصوم (ع)

استناد به روایات معتبر از معصومین (ع) در تشریح احکام شرعی از منفرقات مذهب امامیه است.

این روایات در فقه امامیه مبین کیفیت میراث زوجه است. آیات کریمه در مقام تبیین کمیت میراث زوجه است که همان میزان ربع (یک چهارم) و ثمن (یک هشتم) ترکه می‌باشد اما چگونگی اتصاف وارث تلقی شدن اشخاص منتسب به متوفی و هم چنین کیفیت نوع اموالی که هر یک از زوجین به عنوان سهم خود از ترکه می‌برند، به وسیله روایات معصومین (ع) تبیین می‌شود. فقهای امامیه روایات مزبور را مخصص آیات کریمه در مبحث میراث قلمداد می‌نمایند.

روایات مزبور از دو امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در زمانهای مختلف و در پی سوالاتی که اصحاب ایشان مطرح ساخته‌اند، ابراز شده‌اند که در وسائل الشیعه، ۱۷ روایت ذکر شده است که در مجموع دارای دلالت‌های زیر است:

(أ) روایاتی که دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار و مطلق زمین دارد.

(ب) روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار و ضیاع وارث بردن او از عین ساختمان دارد.

(ت) روایاتی که بین زوجه ذات ولد و غیر ذات ولد تفصیل قائل شده‌اند.

(ث) روایاتی که دلالت بر عدم محرومیت زوجه بطور مطلق یا زوجه ذات ولد از ارث عقار نموده‌اند.

منشأ اختلاف آراء فقهای امامیه در مبحث میراث زوجه مربوط به کیفیت میراث است و این اختلاف برخاسته از استناد یا عدم استناد به همین روایات است. منظور از کیفیت میراث زوجه، آن بخش از اموال به جای مانده از زوج متوفی است که زوجه می‌تواند به میزان سهم خویش از آن بهره‌بردارد.

تا قبل از این دوره، سوابقی دال بر وجود روایات مبتنی بر محرومیت زوجه، مشاهده نشده

است. با آنکه در باره مسایل میراث که به شدت مورد ابتلای مسلمانان بود و قرآن کریم با طرح مسائل جدید، نظام ارث جدیدی را بر خلاف آنچه در جاهلیت رایج بود، تأسیس کرد. زیراد زمان جاهلیت به زنان و به خویشاوندان، ارث نمی‌دادند. ارث فقط برای زورمندان بستگان پدری بود. اسلام نظام عادلانه‌ای برای ارث بنا نهاد که در آن میان حق نسب و سبب و ولاء، جمع شده است. برای پدر و مادر و نزدیکان بهره‌ای قرار داد و برخی از خویشاوندان را بر برخی دیگر اولویت بخشید و ارث بردن براساس فرزند خواندگی یا عصبه (خویشان پدری) و مانند آن را منع کرد. در این راستا مباحثی هم چون عول و تعصیب که در ارث مطرح گردید با مقابله جدی مکتب حضرت امیر (ع) و اهل بیت مواجه شد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶، ۴۹، ۳۰) بنابراین اگر محرومیت زوجه از ارث اراضی به عنوان حکم خلاف ظاهر آیات که به مراتب از عول و تعصیب اهمیتی بیشتر دارد، مطلوب نظر حضرت امیر (ع) می‌بود به وسیله شاگردان ایشان مطرح و تبلیغ می‌گردید.

عدم انعکاس سیره ای از حضرت امیر (ع) در عصر حاضر، نسبت به پذیرش محرومیت زوجه از ارث اراضی، حاکی از فقدان سیره مزبور در عصر ایشان می‌باشد. کما این که انعکاس سیره دو امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نسبت به پذیرش محرومیت زوجه از ارث اراضی در عصر حاضر، حاکی از وجود سیره آنان در عصر خود می‌باشد.

عدم محرومیت زوجه از ارث اراضی، واجد جنبه سیاسی و در تعارض با اهداف خلفای وقت نبوده است تا موجهی برای تقیه امامان معصوم قبل از دو امام باقر (ع) و صادق (ع) باشد، به گونه ای که امامان پیش از آنان به مناسبت جو سیاسی حاکم از ابراز رای مبتنی بر محرومیت زوجه از ارث اراضی امتناع ورزیده باشند.

### ۳-۱) دیدگاه های فقهای امامیه راجع به کمیت و کیفیت میراث زوجه:

یکی از فقهای معاصر (هاشمی شاهرودی، پیشین، ۱۷) از مجموع روایات مرتبط با کیفیت میراث زوجه، پنج دیدگاه کلی در بین فقهای امامیه استخراج نموده است:

دیدگاه اول) ابن جنید بغدادی معروف به اسکافی: این دیدگاه مبتنی بر عدم محرومیت مطلق زوجه در میراث از عین جمیع ترکه و همه اموال می‌باشد.

دیدگاه دوم) شیخ مفید: این دیدگاه مبتنی بر محرومیت مطلق زوجه در میراث از مطلق رباع (اراضی مسکونی) است.

دیدگاه سوم) سیدمرتضی: این دیدگاه مبتنی بر محرومیت زوجه از عین رباع و عدم محرومیت از قیمت ساختمان است.

دیدگاه چهارم) شیخ طوسی: این دیدگاه که قائل بر تفصیل در فرزند داشتن زوج یا عدم آن است، در زوجه ذات ولد مبتنی بر عدم محرومیت از عین جمیع اراضی و در زوجه غیرذات ولد محرومیت از اراضی و عدم محرومیت از قیمت مصالح و ابزارآلات و اشجار است.

دیدگاه پنجم) مشهور متاخرین: این دیدگاه مبتنی بر محرومیت مطلق زوجه اعم از عین و قیمت از اراضی و عدم محرومیت از قیمت مصالح و ابزارآلات است.

در برخی از این روایات که دلالت بر محرومیت زوجه دارند، محرومیت مزبور این چنین تعلیل شده است:

لثلاً يتزوجن فيفسدن على أهل الموارث موارثهم، تازنان با ازدواج با دیگری، میراث ورثه را تباه نسازند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ق، ۲۶، ۲۰۸).

برخی بر این اعتقادند که در بین دیدگاه های فوق الذکر، دیدگاه سید مرتضی از تمامی دیدگاه ها جامع تر است. بدین تعبیر که این دیدگاه جامع میان روایات و ظاهر آیات است. از یک سوی اقرار به صدور روایات، بلکه اقرار به اجماع شیعه بر محرومیت اجمالی زوجه از ارث اراضی می نماید و از سوئی دیگر به ظاهر و صریح آیات کریمه نظر دارد، لذا مبادرت به جمع میان روایات و اجماع و ظاهر آیات نموده است که می توان آن را جمع میان دو دلیل قطعی السند و عمل به هر دو به شمار آورد. نظریه سیدمرتضی از اختلال در سهام و فرائض جلوگیری می نماید. زیرا اگر زوجه از عقار هیچ ارث نبرد، به ناچار سهم او از ربع و ثمن مجموع ترکه کم تر خواهد شد. (هاشمی شاهرودی، پیشین، ۱۷)

## ۲) تحولات اجتماعی و محیطی و تاثیر آن در تطور حکم شرعی

احکام شرعی در مرحله صدور و اجرا، متأثر از عناصر محیطی است. این بدان معنا نیست

که حکم شرعی پیرو و تابع عناصر زمان و مکان و مقتضیات آن می باشد و یا اینکه در مرحله اجرا متبع از عناصر زمانی و مکانی است.

هر حکم شرعی به منظور تبیین قضیه ای اعم از حقیقیه یا خارجی صادر شده است که محوریت آن، موضوع آن است. بنابراین محوریت موضوع در مرحله ایجاد و اجرا موثر است. کما این که ایجاد حکم، در مرحله زمانی عصر تشریح و عصر پس از آن متصور است. محوریت موضوع در اصدار حکم، اختصاص به عصر تشریح نداشته بلکه در عصر پس از تشریح نیز ملاک عمل است.

موضوعات در پی تحولات محیطی ایجاد می گردند و لاجرم هر موضوعی، حکم معینی را به خود اختصاص می دهد.

نقش محوری عناصر محیطی در اصدار حکم، محل مناقشات علمی بسیاری بوده است، محیط پیرامون در تمامی اعصار، نقش موثری در بیان آراء اندیشمندان داشته است.

این تفاوتها ناشی از اثر پذیری شیوه استنباط احکام از مقتضیات زمان و مکان محیط پیرامون مجتهد و احوالات او دارد.

روایاتی که مبنای دیدگاه های فقها قرار گرفته اند در شرایط محیطی خاص و متعاقب مقتضای نیازمندی عصر، صادر شده اند.

براین اساس است که بررسی شرایط محیطی عصر صدور روایات در تعلیل احکام ناشی از آن روایات بسیار موثر است.

محمد باقر صدر، اطلاع از فضای صدور را باعث تفاوت در نتیجه برخی از استنباطها می داند ... (صدر، بی تا، ۱۵۸).

توجه کامل مجتهد به زمان صدور روایات و به دیگر سخن، توجه کامل به زمان صدور عناصر خاصه استنباط و شرایط آن و نیز توجه دقیق به مکان صدور آن عناصر و شرایط آن و نیز توجه به عناوینی که موضوعات برای احکامند و تشخیص عناوینی که به عنوان اولی و عناوینی که به عنوان ثانوی موضوعات برای آنها می باشند از شرایط اجتهاد مطلوب است (جناتی، ۱۳۷۴، ۴۷)

برخی از فقهاء امامیه، احکام اسلام را بایکدیگر مرتبط دانسته و براین اعتقاد اند که ترابط احکام اسلام در قلمرو سیاست، اجتماع، اقتصاد بیشتر است و بررسی مسائل فقهی بدون آگاهی از فضای عمومی و قرائن اختصاصی که گردآورد آن مساله در زمان و مکان صدور نص وجود دارد، صحیح نیست چراکه شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که متون دینی در آن صادر شده در فهم موضوع موثر است. (شمس الدین، ۱۴۱۲، ۲۵۰)

همه سو نگری مجتهد در مقام استنباط و تک بعدی نشدن در برابر ابعاد گوناگون زندگی و توجه به ارتباط و پیوستگی میان مسائل اعتقادی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، عبادی، نظامی، حقوقی، حکومتی از دیگر شرایط اجتهاد مطلوب است.

انسان موجود پیچیده ای است که از عوامل محیطی خود بسیار تاثیر پذیر است. براین اساس اجتهاد در قرن حاضر بسیار متفاوت با اجتهاد در قرون گذشته است. کما اینکه اجتهاد در دوران خفقان حاکمان و پادشاهان معاند با مکتب اهل بیت و در عصر فقدان تشکیل حکومت اسلامی با اجتهاد در دوران شکل گیری و تاسیس حکومت اسلامی و مبسوط الید بودن فقیه، تفاوت‌های اساسی دارد.

مجتهد باید به موضوعاتی که برای آن حکم صادر می کند احاطه کامل داشته باشد. براین اساس فقیه‌ای که همواره در گوشه خانه و یا مدرسه بوده، با فقیه‌ای که وارد جریان‌های زندگی شده است و هر دو در بیان حکم شرعی به ادله شرعی و مدارک احکام مراجعه می کنند از نتیجه واحدی در استنباط حکم برخوردار نخواهند بود.

تأثیر گذاری شرایط محیطی بر نوع نگرش فقیه غیر قابل انکار است. اگر کسی فتوای فقهاء را بایکدیگر مقایسه کند و ضمناً به احوال شخصیه و طرز تفکر آنها در مسائل زندگی توجه کند می بیند که چگونه سوابق ذهنی یک فقیه و اطلاعات خارجی او از دنیای خارج، در فتوایش تأثیر داشته، به طوری که فتوای عرب بوی عرب می دهد و فتوای عجم بوی عجم، فتوای دهاتی بوی دهاتی می دهد و فتوای شهری بوی شهری (مطهری، ۱۳۹۵، ۱۳۱).

تغییرات جامعه اسلامی به سبب ارتقاء عوامل مادی و معنوی و پیشرفت‌های فنی



و تکنولوژی و درسایه تاسیس حکومتی برخواسته از اندیشه های ناب اسلامی و با برخورداری از دو ویژگی اساسی اسلامیت و جمهوریت، محیطی را فراهم ساخته تا همه آحاد آن جامعه، در تمامی امور جامعه مشارکت داشته باشند.

توجه به تاثیر مقتضیات زمان و مکان یک ظرفیت شرعی و عقلی در تطور احکام و صدور احکام جدید می باشد. در این مناسبت وضعیتهای جدید و نیازمندیهای بروز جامعه به عرصه دین عرضه می گردد تا با استفاده از منابع و ادله فقهی و بکارگیری شیوه خاص استنباط، حکم متناسب صادر شود.

مبانی شریعت واجد ظرفیتهائی است که اداره جامعه انسانی را تسهیل و به سوی سعادت سوق می دهد. این مبانی به گونه ای است که در زمان ها و مکان های مختلف و در مواجهه با نیازمندی های جدید، قادر به بیان حکم شرعی است و خصیصه مهم حکم شرعی آن است که انسان را در مواجهه با معضلات و وضعیتهای نوظهور از تحیر و سرگردانی رها سازد.

مقتضیات زمان و مکان دو عنصر موثر در صدور احکام شرعی اند. بر این اساس فقیه، اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه را به منظور دریافت حدود تأثیر تحولات در موضوعات، بررسی می کند. چون فقیه تا شناختی کافی نسبت به موضوعات نداشته باشد در مرحله تطبیق احکام دچار مشکل خواهد شد، پس برای حل مسائل موضوعات نوظهور و از جمله موضوعاتی که در بستر زمان دچار تغییر و تحول شده اند، ناگزیر باید روابط و شرایط حاکم بر جامعه خویش را بداند و دقیقاً حدود تأثیر آنها را بر موضوعات در نظر داشته باشد. اگرچه فقیه و مجتهد کارش استنباط و استخراج احکام است اما اطلاع و احاطه او بر موضوعات و به اصطلاح طرز جهان بینی در فتوایش تأثیر زیادی دارد. (مطهری، پیشین، ۹۹).

تغییر در ساختار جوامع و ارتباط با مفاهیمی هم چون زندگی اجتماعی، حکومت، سیاست و ایجاد نهادهای مختلف با کارکردهای متنوع و گسترش دامنه دانش ها و تخصص ها اهمیت توجه به شرایط حاکم بر جامعه را برای فقیه مضاعف می سازد.

جایگاه عناصر زمان و مکان در استنباط احکام شرعی در فقه امامیه و بالتبع در نظام تقنینی ایران، موقعیت اساسی و خاصی داشته، به نحوی که هم در ایجاد قوانین و هم در

اصلاح قوانین موجود موثر بوده است.

این جایگاه در نظام حقوقی ایران متعاقب تاسیس واستقرار حکومت اسلامی که در شکل جمهوری اسلامی ایران متجلی گشت، ایجاد گردید. مصادیق متعددی از اینگونه تاثیرگذاری را می توان در مباحثی همچون بانکداری، اوراق بهادار، حقوق مالکیت فکری، بیع خون و بیع عضو بدن وبسیار موارد دیگر مشاهده نمود.

بالاتر دید تاسیس حکومت اسلامی وارتباط مستقیم وبلاواسطه فقیه با معضلات جامعه و ضروریات اجتماعی، موثر در توجه مضاعف به عناصر زمان ومکان در تقنین عرفی واستنباط احکام شرعی خواهد بود

ظرفیت وجودی فقه امامیه سبب شده است که متعاقب تاسیس حکومت اسلامی، چنین تحول شگرفی صورت پذیرد واین توانایی را داشته باشد که درسایر موارد چالش انگیز جامعه اسلامی موثر بوده وهم چنین الگویی برای سایر نظامهای تقنینی جوامع اسلامی گردد.

حقوق اسلامی، صرفا محصور در الفاظ معین ادله نقلی نمی باشد بلکه محدوده وسیعی است که حاوی مفاهیمی عمیق منبعث از ادله مزبور است تا انسان را در مقابل وقایع مستحدثه دستگیری نماید. اگر غیر از این باشد منافی جاودانگی آن است. از اینرو باید بتوان ازادله مزبور، به مقتضای هر عصری استفاده نمود. به گونه ای که انسان متحیر از وقایع پیرامون خویش، پیروز درآید. چه بسا که حکمت ظنی الدلاله بودن مدلول آیات محکومات همین امر باشد.

تحولات حاکم بر جامعه اسلامی آثار متعددی دربردارد که از آن جمله تاثیرگذاری برکم وکیف حقوق وتکالیف افراد است. هم چنین سبب می گردد تا موضوعات جدیدی پا به عرصه ظهور گذاشته وبالتبع درپی ملاکات جدیدی باشد.

از نظر اندیشمندان اسلامی، تحولات اجتماعی، عامل موثر درتغییر شرایع الهی بوده وشرایع الهی به مقتضای رشد بشریت،تغییر نموده است. به میزان تکاملی که در شأن اجتماعی انسان صورت می پذیرد، مقررات متحول خواهدشد. تدریجی بودن تکامل استعدادهای بشری، موجب تدریجی شدن ابلاغ احکام گردیده است. تغییراستعداد بشری

موجب تغییر شرایع می شود و علت عمده این که شریعتی می آید، شریعت قبل را نسخ می کند این است که در زمان شریعت پیش، مردم استعداد فراگرفتن همه حقایق را که از راه فهم باید به بشر ابلاغ بشود، نداشتند. تدریجاً که در مردم رشدی پیدا می شود، شریعت بعدی در صورت کاملتری ظاهر می شود و هر شریعتی از شریعت قبلی کاملتر است تا بالاخره به حدی می رسد که بشر از وحی بی نیاز می شود، دیگر چیزی باقی نمی ماند که بشر به وحی احتیاج داشته باشد (مطهری، ۱۳۶۴، ۱، ۱۱).

دوره خاتمیت، توأم با استعداد بشری به منظور تلقین و تعلیم قانون و ضبط آن وهم چنین استفاده از آن با بهره گیری از نیروی عقل در طول تاریخ بوده است.

عقل به عنوان چهارمین منبع استنباط در کنار کتاب و سنت قرار گرفته است. زیرا احکام اسلامی، احکامی زمینی است که مربوط به مصالح بشریت است. احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی است و غالباً این مصالح و مفاسد در دسترس ادراک عقل بشری است. بنابراین عقل بشر می تواند قانون اسلام را کشف کند. تغییر مصلحت یک حکم شرعی بنا به تغییر مقتضیات زمان به معنای آن است که زیر بنای حکم تغییر کرده است و وقتی زیربنای حکم تغییر کرد، خود اسلام، تغییر حکم را اجازه می دهد. (مطهری، پیشین، ۱۱)

### ۳. جایگاه نوظهور بانوان و ضرورت تاثیر آن در تطور حکم میراث زوجه

حضرت امیر(ع) در نامه ای به امام حسن (ع) می فرماید: به زن بیش از حدتوانش کار واگذار مکن و این برای حال او بهتر و برای زندگی او مناسب تر است، زیرا زن ریحانه است و قهرمانه نیست (حرعاملی، پیشین، ۲۰، ۱۶۸).

ظاهر سخن، دلالت بر آن دارد که در کلام حضرت امیر (ع)، مبنای عدم واگذاری امور به زنان، محدود بودن ظرفیت و توانمندی آنان است. در ظرف زمانی و مکانی نگارش نامه، زنان از توانایی محدودی برخوردار بوده اند. زنان عصر مزبور در سطوح بسیار نازل از دانش و تحصیلات علوم و توان ادراک فعالیت های اجتماعی و سیاسی و مدیریتی و اقتصادی قرار داشتند که هم سطح با ظرفیت و توانایی زنان عصر حاضر نمی باشد و تفاوت چشمگیری دارد.

در زمان صدور نامه، مردان در اداره امور از توانمندی هایی برخوردار بوده اند که زنان

جامعه آن زمان فاقد آن بوده و به نظر می‌رسد همین فقدان توانمندی و ظرفیت وجودی زنان موجب توصیه حضرت امیر (ع) شده است. امروزه وضعیت توانمندیهای مختلف زنان تغییر یافته است به گونه‌ای که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، همسان مردان، فعالیت و تلاش داشته و در تمامی موفقیت‌های جامعه، موثر و سهیم بوده‌اند.

بروز چنین توانمندیها و ظرفیتها باعث شده تا دیدگاه‌های فقهای معاصر نیز متأثر از توانمندیها و ظرفیتها گردد و در پاره‌ای از احکام که تصدی و اداره آنان به مردان اختصاص داده شده بود، از مردان الغای خصوصیت شده و زنان واجد شرایط را شامل گردد.

در اندیشه‌ی امام خمینی، زنان در تمامی ابعاد و شؤون اجتماع باید همانند مردان دخالت داشته باشند، و جامعه تنها به دست مردان نمی‌تواند آباد و اصلاح شود. ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. زنها در جمهوری اسلام رای باید بدهند. همان طوری که مردان حق رای دارند، زنها حق رای دارند.

همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زنها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زنها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند (امام خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱، ۲۶۳).

امام خمینی (ره) برای شخصیت علمی و فرهنگی زنان در اجتماع به لحاظ آنکه فرزندان امروز و نسل فردا در دامن زنان باید تربیت شوند، جایگاه ویژه‌ای قائل هستند.

بنابراین زنان در جامعه امروز ما هم چون مردان بر مقدرات مدیریت جامعه حاکم بوده و بخش‌های وسیعی از امور تقنین و اجراء و قضاء را به خود اختصاص داده‌اند که می‌توان مصادیق فراوانی برای آن ذکر نمود.

براین اساس است که باید از ظرفیت‌های موجود در قانونگذاری اسلام و استنباط احکام شرعی بهره‌جست تا در احکام مربوط به زنان در جامعه اسلامی به جایگاه و نقش فعلی آنان

توجه نمود و به صرف تفاوت‌های جنسیتی، تبعیض‌های حقوقی و قانونی ایجاد نگردد و به حقوق زنان در تمامی امور فردی و اجتماعی با لحاظ اثرگذاری آنان اندیشیده شود.

از مقتضیات امروز جامعه، جایگاه ویژه زنان در تمامی عرصه‌های جامعه است، لذا به همان میزان که زنان با فعالیت و ممارست خود از جایگاه قبلی فاصله‌های بسیار گرفته‌اند و برای خود جایگاه ویژه و نو ترسیم کرده‌اند، به همان میزان باید از مواهب شریعت بهره‌مند گردند.

جایگاه نوظهور زنان جامعه ایرانی در دیدگاه رهبران جامعه اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته مورد توجه و اهتمام جدی بوده است به گونه‌ای که در مقاطع مختلف زمانی از آن یاد شده است.

مطلع تطور میراث زوجه در قانون مدنی، دیدار بانوان مجلس شورای اسلامی با مقام رهبری در سال ۱۳۸۶ بوده است. ایشان پس از ترسیم جایگاه نوظهور زنان جامعه اسلامی اشاره به ضرورت تغییر احکام فقهی مربوط به زنان می‌نماید.

از منظر ایشان جایگاه نوظهور زنان ایرانی این ظرفیت را خواهد داشت تا بتوان احکام مرتبط با حقوق آنان را اصلاح و تعدیل نمود.

ابراز دیدگاه مزبور در سال ۱۳۸۶ در دیدار مزبور، موجب تحولی شگرف در نظام حقوقی ایران شد. متعاقب ابراز دیدگاه مزبور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی مبادرت به تنظیم طرحی یک فوریتی و تقدیم به هیات رئیسه نمودند.

نتیجه رسیدگی طرح مذکور، اصلاح ماده ۹۴۶ و ۹۴۸ و حذف ماده ۹۴۷ قانون مدنی طی ماده واحده‌ای در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ششم بهمن‌ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی گردید.

ماده ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ قانون مدنی قبل از اصلاح (مصوب سال ۱۳۰۷ ه. ش) مقرر می‌داشت:

ماده ۹۴۶- زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد لیکن زوجه از اموال ذیل:

۱- از اموال منقوله از هر قبیل که باشد.

۲- از ابنیه و اشجار.

ماده ۹۴۷- زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می برد و نه از عین آنها و طریقه تقویم آنست که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم می گردد.

ماده ۹۴۸- هرگاه در مورد ماده قبل ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن می تواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید.

مواد مزبور پس از اصلاحیه، مقرر می دارند:

ماده: ۹۴۶ زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می برد در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می باشد.

تبصره: مفاد این ماده درخصوص وراثت متوفائی که قبل از تصویب آن فوت کرده ولی هنوز ترکه اوتقسیم نشده است نیز لازم الاجرا است. (این تبصره در مورخ ۱۳۸۹/۵/۲۶ به ماده ۹۴۶ الحاق گردیده است)

ماده: ۹۴۸ هرگاه ورثه از اداء قیمت امتناع کنند زن می تواند حق خود را از عین اموال استیفاء کند.

اگرچه دیدگاه فقهی مقام رهبری که در دیدار با بانوان در سال ۱۳۸۶ ابراز شد، به صورت کامل در اصلاحیه فوق الذکر منعکس نگردید، لکن همین میزان اصلاح میراث زوجه که در مخالفت با قول مشهور صورت پذیرفت، حاکی از تمایل و نیاز جامعه بدان بود.

جایگاه نوظهور زنان در تمامی عرصه های اجتماع به عنوان مقتضیات جدید، سبب اظهار نظر مزبور گردید. اگر مقتضیات مزبور نبود، زمینه های لازم جهت ابراز نظریه فقهی مقام رهبری حاصل نمی شد. همین میزان اثرگذاری مقتضیات زمان و مکان درمساله میراث زوجه، مبین توجه به جایگاه جدید زنان جامعه اسلامی ایران است که به عنوان یک ملاک

جدید شرعی، ایجاد و مستند واقع شده است. به نظر می‌رسد می‌بایست گام‌های بعدی در راستای تطابق قانون مدنی با جایگاه ویژه بانوان در جامعه اسلامی ایران برداشته شود.

ماده ۹۴۶ مبین سهم زوجه از تمامی اموال زوج است با این توجه که در اموال منقول، نصیب خود را از عین مال می‌برد و در اموال غیر منقول، فقط مستحق قیمت مال غیر منقول است و در این خصوص ذات‌الولد و غیرذات‌الولد بودن زوج متوفی، تاثیری در کیفیت میراث نخواهد داشت. این ماده قبل از اصلاحیه هیچ‌گونه سهمی از مال غیرمنقول اعم از عین و قیمت عرصه و اراضی برای زوجه قائل نبود.

براین اساس زوج در صورت غیرذات‌الولد بودن به میزان نصف ترکه (یک دوم) و در صورت ذات‌الولد بودن خواه از یک زوجه یا از زوجات متعدد باشد به میزان ربع ترکه (یک چهارم) از تمامی اموال زوجه نصیب می‌برد در حالی که زوجه در صورت غیرذات‌الولد بودن زوج به میزان ربع ترکه (یک چهارم) از عین مال منقول و قیمت غیرمنقول و در صورت ذات‌الولد بودن خواه فرزند نتیجه رابطه زوجیت زوج متوفی با شخص زوجه باشد یا نتیجه رابطه زوجیت با زوجه یا زوجات دیگر باشد به میزان ثمن (یک هشتم) از عین مال منقول و قیمت مال غیر منقول سهم خواهد برد.

البته باید متذکر شد که زوجه در یک حالت از عین مال غیر منقول ارث خواهد برد و آن در صورتی است که ورثه از تادیه قیمت مال غیر منقول امتناع ورزند که امتناع مزبور موجب می‌شود تا زوجه سهم خود را از عین مال غیر منقول استیفاء نماید. این استحقاق اخیر در اصلاحیه ماده ۹۴۸ تبیین گردید.

اهمیت و برجستگی این تطور، زمانی آشکار می‌شود که ماده واحده اصلاحی در سیرقانونگذاری مزبور با سکوت و عدم اظهار نظر فقهای شورای نگهبان مواجه گردید. فقهای شورای نگهبان در بررسی ماده واحده اصلاحی فوق‌الذکر در مهلت مقرر قانونی (ده روز) مبادرت به سکوت و از هرگونه اظهار نظر امتناع ورزیدند. این امتناع سبب شد تا مستند به ماده ۱۹۹ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مصوبه از طرف مجلس جهت امضاء و ابلاغ به ریاست جمهوری ارسال شود.

واکنش فقهای شورای نگهبان نسبت به مصوبه در نوع خود منحصریفر است و در این که بتوان این نوع سکوت را حمل بر تنفیذ یا رد نمود، به سهولت و صراحت نمی توان نظری داد. لکن با قرینه قراردادن مخالفت مصوبه با قول مشهور و دیدگاه سنتی فقهای وقت شورای نگهبان، عدم تمایل وعدم موافقت ایشان با به اجرا درآمدن آن استنتاج می گردد. متاسفانه در پاره ای از موارد برخی از فقهاء از بینش صحیح و درک واقعیتهای ملموس جامعه اسلامی برخوردار نبوده و بدرستی قادر به تشخیص مقتضیات زمان و مکان نمی باشند و لذا از تحولات اجتماعی غافل و نسبت به پاره ای از فتاوی موثر در بیان اندیشه های نوظهور معترض می باشند. اندیشه هائی که توانائی حل معضلات جامعه را در چارچوبهای شرعی داراست. فتاوی هم چون تحلیل بیع آلات موسیقی، ساخت مجسمه، تذکیه باچاقو و کارداستیل، خرید و فروش خون، تشریح جسد میت، کنترل مولید، توسیع مصادیق احتکار، تحول در استیفاء از انفال و مباحات و اراضی موات، تحول در حکم سبق و رمایه، وضع زکات بر اسب که مبتنی بر مقتضیات زمان و مکان بیان شده اند.

نقش زنان در جامعه اسلامی با دگرگونی ها و رویکردهای متفاوتی همراه بوده است. براین اساس احکام شرعی متناسب با ظرفیت بالفعل و موجود زنان، تشریح و برای آنان حقوق و تکالیف خلق نموده است. ظرفیت بالفعل زنان جامعه امروزی در قیاس با ظرفیت بالفعل زنان جامعه صدر اسلام از روند صعودی و تکامل برخوردار بوده است. همین روند تکاملی سبب می گردد تا احکام متناسب با وضع حال صادر گردد.

روند صعودی و تکامل ظرفیت وجودی زنان که برخاسته از تلاش و فعالیتهای خود آنان بوده است، باعث ایجاد مقتضیات جدیدی شده است. این مقتضیات بی تاثیر در اذهان فقهاء نبوده است. نفس این مقتضیات سبب شد تا زنان جامعه فعلی به تناسب وضعیت جدید، برخوردار از عنوان و موضوع جدیدی شود و ملاک جدیدی را به خود اختصاص دهند. به تعبیر دیگر، زنان جامعه امروز با رشد و بالندگی خود، ظرفیت وجودی خویش را ارتقاء بخشیده و استعداد و ظرفیت وجودی و اجتماعی قابل توجهی یافته اند. یروز چنین توانائی موجب رفع محدودیت ها و ممنوعیت های سابق اجتماعی و بالتبع ایجاد احکام جدید خواهد شد.

مقتضیاتی که موضوع تعلیل محرومیت زوجه در ارث پاره ای از ماترک زوج را بلااثر



ساخته و مبنای محدودیت واگذاری امور اجتماع به زنان که فقدان توانائی آنان نامیده می‌شد را منتفی نموده است. بنابراین تحقق ملاک جدید، سبب تحقق حکم جدید خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

اول) روایات محرومیت زوجه از عقار (مال غیرمنقول) از دو امام باقر(ع) و صادق(ع) صادر شده است. فقط یک روایت توسط محمد بن سنان از امام رضا(ع) در باره علت این حکم نقل شده است. در روایاتی که از امیرالمؤمنین(ع) و دیگر ائمه تا زمان دو امام باقر(ع) و صادق(ع) و ائمه پس از آن دو امام در زمینه میراث نقل شده است(به استثنای روایت محمد بن سنان از امام رضا(ع)) هیچ اثری از حکم محرومیت زوجه از عقار دیده نمی‌شود.

دوم) درحالی که پس از رحلت پیامبر اکرم(ع)، مباحثی هم چون عول و تعصیب در ارث مطرح گردید و با مقابله جدی مکتب حضرت امیر(ع) و اهل بیت مواجه شد، بالتبع می‌بایست نسبت به عدم محرومیت زوجه از ارث اراضی که به مراتب از اهمیت مضاعف نسبت به عول و تعصیب برخوردار بود، مقابله می‌گردید درحالی که چنین مقابله‌ای صورت نگرفته است.

سوم) عدم انعکاس سیره‌ای از حضرت امیر(ع) در عصر حاضر، نسبت به پذیرش محرومیت زوجه از ارث اراضی، حاکی از فقدان سیره مزبور در عصر ایشان می‌باشد، کما این که انعکاس سیره دو امام باقر(ع) و صادق(ع) نسبت به پذیرش محرومیت زوجه از ارث اراضی در عصر حاضر، حاکی از وجود سیره آنان در عصر خود می‌باشد.

چهارم) عدم محرومیت زوجه از ارث اراضی، واجد جنبه سیاسی و در تعارض با اهداف خلفای وقت نبوده است تا موجهی برای تقیه امامان معصوم قبل از دو امام باقر(ع) و صادق(ع) باشد به گونه‌ای که امامان پیش از آنان به مناسبت جو سیاسی حاکم از ابراز رای مبتنی بر محرومیت زوجه از ارث اراضی امتناع ورزیده باشند.

پنجم) تعلیل محرومیت زوجه از ارث خانه و زمین در روایات وارده، چنین بیان شده که «زوجه، شخص بیگانه‌ای را شریک ارث و وارثان نسازد و میراث آنان را تباه نکند. تعلیل در صدد آن است که میراث مفروض وارثان یعنی ساختمان و زمین از تسلط شوهر جدید زوجه مصون بماند. درحالی که چنین فرضی برای سایر زنان ورثه متصور است. چه بسا که با ازدواج

خود، شخص بیگانه ای را شریک ارث وارثان سازد و میراث آنان را تباه کند.

ششم) روایات وارده از امامان معصوم(ع) در پی سوالاتی بوده که اصحاب و پیروان ایشان مطرح نموده اند و جواب امام (ع) متناسب با شرایط زمانی و مکانی بوده و بدین لحاظ روایت در چارچوب سوال مطروحه، شکل گرفته است. در روایات محرومیت زوجه، اراضی مورد سوال از معصوم(ع) مربوط به اراضی مفتوح العنوه عراق بوده است. این اراضی تحت مالکیت شخصی افراد واقع نمی شود و بلکه مردم نسبت بدان دارای حق اختصاص می گردند. بر این اساس قیمت این اراضی، قیمت ناشی از حق اختصاص مزبور می باشد. این قیمت برخاسته از سبقه تصرفی بود که اشخاص با مجوز حکومت در سالیان معین یا غیرمعین دارا می گردیدند. قیمت مترتب بر سابقه تصرفات مزبور مانند قیمتی است که عین مستاجر به مناسبت استیفاء منفعت پیدا نموده است که نسبت به این قیمت، زوجه از آن ارث خواهد برد. سکوت امام معصوم(ع) از ذکر قیمت حق اختصاص مذکور در اراضی مورد سوال، دلالت بر عدم ارث زوجه از اراضی متعلق به زوج نمی نماید.

ششم) فهم و ادراک اجتماعی زنان در عصر تشریح با عصر حاضر، تفاوت زیادی پیدا نموده است. فهم و ادراک مزبور و نقش موثر آنان در جامعه به نحو تدریجی، تکامل یافته است. در عصر تشریح، عدم تصدی مناصب اجتماعی توسط زنان، ناشی از محدودیت توانائی آنان بوده است. حال آن که زنان جامعه امروزی فاقد چنین محدودیتهائی می باشند. توانائی موجود زنان در عرصه های مختلف مدیریتی و کارشناسی، پدیده جدیدی است که می بایست به عنوان ثمره مقتضیات زمان و مکان مورد توجه فقهای امامیه در اجتهاد واقع شود.

هفتم) مقتضیات زمانی و مکانی موجود در خصوص توانمندی های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی، پژوهشی، اقتصادی زنان جامعه اسلامی ایران، در بردارنده تغییر ملاکهای احکام مرتبط با ایشان بوده و بالتبع تغییر ملاکها سبب تغییر احکام خواهد شد. از جمله تغییر ملاکهای احکام راجع به زنان، متوجه بحث کیفیت میراث زوجه می باشد که بر آن اساس، ضرورت دارد کیفیت میراث زوجه مانند میراث زوج گردیده و محرومیت فعلی زوجه منتفی شود. به نحوی که زوجه از تمامی اموال و ترکه زوج ارث ببرد. چنین نگرشی موافق و مطابق با ظواهر آیات قرآن کریم خواهد بود.

**منابع****الف) فارسی**

۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، *ده گفتار*، قم، انتشارات صدرا.
۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)، *اسلام و نیازهای زمان*، ج ۱، تهران، نشر صدرا.
۳. موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، ج ۲۱، چاپ دوم، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

**ب) منابع عربی**

۴. *قرآن کریم*،
۵. جبعی، عاملی (شهیدثانی) زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلاميه.
۶. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۲۶، چاپ اول، ج ۲۹، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام.
۷. سبزواری، محمد باقر (۱۴۲۳ق)، *کفایه الاحکام*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. شمس الدین، محمدمهدی (۱۴۱۲ق)، *فی الاجتماع السياسی الاسلامی*، چاپ اول، بیروت، المؤسسة الدولیه.
۹. صدر، سیدمحمدباقر (بی تا)، *الاجتهاد والحیاه (الاتجاهات المستقبله لحركه الاجتهاد)*، چاپ اول، قم، مرکز الغدیر.
۱۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۳۹، چاپ هفتم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.

**ج) مجلات**

۱۱. جناتی، محمدابراهیم (تابستان ۱۳۷۴)، *شرایط اجتهاد در نظام اسلامی، پژوهش های اجتماعی اسلامی*، شماره ۱.
۱۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۶)، *میراث زوجه از اموال غیر منقول، فقه اهل بیت عليهم السلام (فارسی)*، شماره ۴۹.